

درباره اختلافات خانه سینما و معاونت سینمایی

کمکی که داده شد یا داده نشد

جشن خانه سینما در شکوه و آرامش برگزار شد. هیچ کدام از مقام‌های ارشد دولتی سینما در این جشن صنفی حضور نداشتند. آنان در شیراز بودند و روز ملی سینما را چند روز بعد و همزمان با برپایی این جشن به طور موازی بر گزار می‌کردند. البته بعدتر اعلام شد از مدیران میانی ارشاد مسعودشاهی در این جشن حضور داشت. در مراسم شیراز بود که باز هم بر سیاست‌ها و نکته‌های قبلی یعنی همان تعویض ریل در سینما تأکید شد.

سجادپور مدیرکل نظارت و ارزشیابی با تأکید بر لزوم تحول گسترده در عرصه سینما گفته است: «شعار کلیدی ما در حوزه نظارت و ارزشیابی سینمایی، ریل‌گذاری تازه است. اصول، ارزش‌ها و ارکان در گذر زمان ثابت می‌ماند. تاکتیک‌ها، شیوه‌های مدیریتی و برخی دیدگاه‌ها باید متناسب با شرایط روز تغییر کنند»

اما این تنها نکته‌ای نیست که بعد از چهاردهمین جشن خانه سینما بیان شده است. باز هم مساله قدیمی یعنی عدم ارائه بودجه مورد نظر هیات مدیره خانه سینما مطرح است. بحث بر سر مبلغی که داده شده یا داده نشده این بار شکل دیگری گرفته است. مدیرکل شورای ارزشیابی و نظارت بر آثار سینمایی حرف‌های به ایننا گفته است: «معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۴۰ میلیون تومان به خانه سینما پرداخت کرده است. متأسفانه برخی اعلام می‌کنند خانه سینما در محاصره اقتصادی معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته در حالی که کمک‌هایی به این نهاد شده است. مبلغ ۲۴۰ میلیون تومان از سوی معاونت سینمایی به خانه سینما پرداخت شده و اینکه برخی از دوستان این مبلغ را کتمان می‌کنند جای تعجب دارد.» البته نکته‌ای که این مسئول بر آن تأکید بیشتر داشته این است: «این مبلغ به خانه سینما پرداخت شده است، البته نه به عنوان کمک‌هزینه برپایی چهاردهمین جشن خانه سینمای ایران.» بلافاصله روابط عمومی خانه سینما و فراخوان توجیدی به عنوان دبیر جشن خانه سینما در پی اظهارات علیرضا سجادپور مدیرکل ارزشیابی و نظارت بر آثار سینمایی حرف‌های در خصوص کمک ۲۴۰ میلیون تومانی وزارت فرهنگ و ارشاد به خانه سینما باعث جشن سینمای ایران اعلام کردند اظهارات نامبرده کذب محض است. جدول پرداخت‌های مالی معاونت سینمایی طی سال‌های ۸۹–۸۷ در شش‌ماه نخست سال برای آگاهی افکار عمومی ارائه می‌شود. از اسفندماه سال گذشته تاکنون در پی عدم انجام تعهدات معاونت سینمایی به توافقنامه بودجه منعقدۀ خانه سینما و معاونت سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی در ازای دریافت چک (همچون بازار) طی شش نوبت جمعاً سه مبلغ یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون ریال برای تأمین هزینه‌های جاری (حقوق کارکنان، قیوض آب، برق، گاز و ملزومات اولیه اداری) به خانه سینما پرداخت کرده است.

این بار سجادپور مدیرکل اداره ارزشیابی و نظارت سینمای کشور مبلغ اهدایی به خانه سینما را بیشتر اعلام کرد و به هنرنویز گفت: «من پرداخت مبلغ ۲۴۰ میلیون تومانی به خانه سینما را تایید می‌کنم؛اما هیچ گاه از این مبلغ به‌عنوان کمک به جشن خانه سینما یاد نکردم چرا که پرداخت پول برای برگزاری جشن خانه سینما نبوده و نیست. این جشن همواره با کمک اسپانسرها برگزار شده است.»

وی ادامه داد: «اعلام می‌کنم که این کمک ۲۴۰ میلیون تومان نبوده بلکه ۲۷۵ میلیون تومان بوده است. ریز این پرداخت هم به این شرح بود: ۱۰۰ میلیون پرداخت مستقیم بنیاد سینمایی فارابی در کردادنامه که به‌دستور مستقیم معاونت سینمایی انجام گرفت، دو فقره چک ۲۵ میلیون تومانی که در شش عید نوروز پرداخت شد، ۲۵ میلیون تومان در ۲۳ تیر پرداخت کردیم، ۲۶ مرداد ۴۰ میلیون تومان پرداخت کردیم، در ۱۶ و ۲۲ شهریور هم دو فقره چک ۳۰ میلیون تومانی به خانه سینما پرداخت شد که جمع این مبالغ ۲۷۵ میلیون تومان می‌شود.» سجادپور با طرح گلابه از برخی سینماگران ادامه داد: «برخی افراد اخیراً ادب را از دایره الفاظ خود خارج کرده و بی‌ادبانه نسبت به مدیران رسمی دولتی رفتار می‌کنند و از تعابیر نامناسب استفاده می‌کنند و سخن می‌گویند. این افراد بیان کرده‌اند که «مثل بازار به ما پول می‌دهند». آیا فارابی از آنها سودی مطالبه کرده که از این تعبیر نامناسب استفاده کرده‌اند؟ آیا به‌کار بردن این نوع کلمات قریب دادن افکار عمومی نیست؟» وی افزود: «می‌خواهم از برخی از افراد که نسبت به موضوع ناآگاهند و بیان می‌کنند معاونت سینمایی، خانه سینما را در محاصره اقتصادی قرار داده بپرسم آیا بنیاد سینمایی فارابی بر نظر رفتار معاونت سینمایی نیست؟ آیا پرداخت این مبلغ به خانه سینما محاصره اقتصادی است در حالی که کل زیرمجموعه‌های معاونت سینمایی هرگز چنین تخصیص‌هایی نداشته‌اند.

سال ۱۳۸۷	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰ریال
سال ۱۳۸۸	۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰ریال
سال ۱۳۸۹	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ریال

گویا حیات‌شان را در بحران‌سازی جست‌وجو می‌کنند اعلام می‌کنم هیچ بحرانی وجود ندارد، و برخی دوستان تلاش نکنند که متناف شخصی خویش را به متناف جمع گره بزنند و اگر خودشان به بن‌بست رسیدند آن را به حساب جمع نگذارند و اجازه دهند سینماگران در یک فضای آرام و بر اساس منافع ملی و اهداف کلان و منافع مردم کار خودشان را ادامه دهند.» و این ماجرا حتماً ادامه دارد چون همان طور که شمقدری در مقام معاونت سینمایی اعلام کرده است با هیات مدیره جدید خانه سینما که در آبان‌ماه انتخاب می‌شوند همکاری خواهد کرد.

انتقال کیش می‌افش

یک جشنواره با تمام کمبودها

چهاردهمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان امسال مهرماه در همدان برگزار می‌شود. مسعود احمدیان دبیر امسال و پارسال جشنواره است که در نشست خبری برای دو موضوع تلاش می‌کره: یکی اثبات مهم بودن جشنواره و دیگری برتابیین هرگونه انتقال. هرگونه کمبودی را بر دوش دیگرانی غیر از مسوولان دولتی سینما می‌انداخته‌اند. وزیر آموزش و پرورش باشد یا کسانی که همیشه مقصدرد اما نامی از آنها برده نمی‌شود. او به مسائل سال گذشته اشاره می‌کرد و کسانی که دوست نداشتند این جشنواره برای کودکان برگزار شود. این دوره جشنواره با حضور ۱۸ فیلم بلند سینمایی بدون بررسی در بخش مسابقه است تا این فیلم‌ها بتوانند هیچانی به سینمای کودک بدهند. سوال همیشه تکراری هنگام برپایی این جشنواره وجود دارد که آیا سینمای کودکی وجود دارد که برایش جشنواره هم برگزار می‌شود؟ که این بار جوابیش قبل از هر نکته‌ای توسط مسوولان برگزارکننده این جشنواره داده شده است: «این سینما وجود دارد و زنده است اما آنچه باعث دیده نشدن این سینما می‌شود، وضعیت ارکان نامناسب است. دوستان فیلمساز کودک براساس علاقه خود آثار تولید می‌کنند.این آثار در جهان مورد توجه است اما اینکه در ایران دیده نمی‌شوند، جای سوال دارد. مراکز مختلف دولتی در حد بضاعت تلاش خود را انجام می‌دهند اما آثار آنها نیز در حوزه ارکان دیده نمی‌شود.» غم

جشنواره فیلم کودک و نوجوان

ارکان همیشه همراه سینمای کودک است. هر چند دبیر جشنواره کودک و نوجوان به این مساله اشاره می‌کند که «اصولاً ندغدغه آموزش و پرورش فیلم و سینمای کودک نیست. آموزش و پرورش فقط به فکر کتاب‌های درسی و نمرات دانش‌آموزان است و با این شرایط هم صد سال دیگر در آموزش و پرورش اتفاقی نمی‌افتد زیرا این وزار تخلفه امروز با حوزه سینما و فیلم کودک میانه‌ای ندارد.» اما به مساله مهم و همیشگی جواب نمی‌دهد که همین مسوولان فارابی برای ارکان این‌گونه فیلم‌ها چه اقداماتی انجام خواهند داد. نکته‌ای که برگزاری این دوره جشنواره به نظر می‌رسد این است که در حالی که ستاد جشنواره برپا شده است و مسوولیت آن بر عهده مسعودشاهی است چرا این بار هم جشنواره کودک و نوجوان زیر نظر مستقیم فارابی برگزار شد؟ در نهایت نکته‌ای که نمی‌توان از آن گذشت پوستر این دوره جشنواره است که توسط یک طراح همدانی تصویر شده است؛ پوسترى که با توجه به جایگاه بالای عرصه تصویرگری ایران در جهان غیرقابل قبول و پایین‌تر از حد استاندارد است. چرا مسوولان جشنواره باید این را می‌پذیرفتند سوالی است که شاید جوابش به برگزاری جشنواره در همدان برسد. احتمالاً نوجویش شکوفایی استعدادهای جوان در استان‌هایی غیر از تهران است.

سینمای ایران

جشن خانه سینما در آرامش برگزار شد. هیچ کدام از مقام‌های ارشد دولتی سینما در این جشن صنفی حضور نداشتند. آنان در شیراز بودند و روز ملی سینما را چند روز بعد و همزمان با برپایی این جشن به طور موازی بر گزار می‌کردند. البته بعدتر اعلام شد از مدیران میانی ارشاد مسعودشاهی در این جشن حضور داشت. در مراسم شیراز بود که باز هم بر سیاست‌ها و نکته‌های قبلی یعنی همان تعویض ریل در سینما تأکید شد.

سجادپور مدیرکل نظارت و ارزشیابی با تأکید بر لزوم تحول گسترده در عرصه سینما گفته است: «شعار کلیدی ما در حوزه نظارت و ارزشیابی سینمایی، ریل‌گذاری تازه است. اصول، ارزش‌ها و ارکان در گذر زمان ثابت می‌ماند. تاکتیک‌ها، شیوه‌های مدیریتی و برخی دیدگاه‌ها باید متناسب با شرایط روز تغییر کنند»

اما این تنها نکته‌ای نیست که بعد از چهاردهمین جشن خانه سینما بیان شده است. باز هم مساله قدیمی یعنی عدم ارائه بودجه مورد نظر هیات مدیره خانه سینما مطرح است. بحث بر سر مبلغی که داده شده یا داده نشده این بار شکل دیگری گرفته است. مدیرکل شورای ارزشیابی و نظارت بر آثار سینمایی حرف‌های به ایننا گفته است: «معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۴۰ میلیون تومان به خانه سینما پرداخت کرده است. متأسفانه برخی اعلام می‌کنند خانه سینما در محاصره اقتصادی معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته در حالی که کمک‌هایی به این نهاد شده است. مبلغ ۲۴۰ میلیون تومان از سوی معاونت سینمایی به خانه سینما پرداخت شده و اینکه برخی از دوستان این مبلغ را کتمان می‌کنند جای تعجب دارد.» البته نکته‌ای که این مسئول بر آن تأکید بیشتر داشته این است: «این مبلغ به خانه سینما پرداخت شده است، البته نه به عنوان کمک‌هزینه برپایی چهاردهمین جشن خانه سینمای ایران.» بلافاصله روابط عمومی خانه سینما و فراخوان توجیدی به عنوان دبیر جشن خانه سینما در پی اظهارات علیرضا سجادپور مدیرکل ارزشیابی و نظارت بر آثار سینمایی حرف‌های در خصوص کمک ۲۴۰ میلیون تومانی وزارت فرهنگ و ارشاد به خانه سینما باعث جشن سینمای مالی معاونت سینمایی طی سال‌های ۸۹–۸۷ در شش‌ماه نخست سال برای آگاهی افکار عمومی ارائه می‌شود. از اسفندماه سال گذشته تاکنون در پی عدم انجام تعهدات معاونت سینمایی به توافقنامه بودجه منعقدۀ خانه سینما و معاونت سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی در ازای دریافت چک (همچون بازار) طی شش نوبت جمعاً سه مبلغ یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون ریال برای تأمین هزینه‌های جاری (حقوق کارکنان، قیوض آب، برق، گاز و ملزومات اولیه اداری) به خانه سینما پرداخت کرده است.

این بار سجادپور مدیرکل اداره ارزشیابی و نظارت سینمای کشور مبلغ اهدایی به خانه سینما را بیشتر اعلام کرد و به هنرنویز گفت: «من پرداخت مبلغ ۲۴۰ میلیون تومانی به خانه سینما را تایید می‌کنم؛اما هیچ گاه از این مبلغ به‌عنوان کمک به جشن خانه سینما یاد نکردم چرا که پرداخت پول برای برگزاری جشن خانه سینما نبوده و نیست. این جشن همواره با کمک اسپانسرها برگزار شده است.»

وی ادامه داد: «اعلام می‌کنم که این کمک ۲۴۰ میلیون تومان نبوده بلکه ۲۷۵ میلیون تومان بوده است. ریز این پرداخت هم به این شرح بود: ۱۰۰ میلیون پرداخت مستقیم بنیاد سینمایی فارابی در کردادنامه که به‌دستور مستقیم معاونت سینمایی انجام گرفت، دو فقره چک ۲۵ میلیون تومانی که در شش عید نوروز پرداخت شد، ۲۵ میلیون تومان در ۲۳ تیر پرداخت کردیم، ۲۶ مرداد ۴۰ میلیون تومان پرداخت کردیم، در ۱۶ و ۲۲ شهریور هم دو فقره چک ۳۰ میلیون تومانی به خانه سینما پرداخت شد که جمع این مبالغ ۲۷۵ میلیون تومان می‌شود.» سجادپور با طرح گلابه از برخی سینماگران ادامه داد: «برخی افراد اخیراً ادب را از دایره الفاظ خود خارج کرده و بی‌ادبانه نسبت به مدیران رسمی دولتی رفتار می‌کنند و از تعابیر نامناسب استفاده می‌کنند و سخن می‌گویند. این افراد بیان کرده‌اند که «مثل بازار به ما پول می‌دهند». آیا فارابی از آنها سودی مطالبه کرده که از این تعبیر نامناسب استفاده کرده‌اند؟ آیا به‌کار بردن این نوع کلمات قریب دادن افکار عمومی نیست؟» وی افزود: «می‌خواهم از برخی از افراد که نسبت به موضوع ناآگاهند و بیان می‌کنند معاونت سینمایی، خانه سینما را در محاصره اقتصادی قرار داده بپرسم آیا بنیاد سینمایی فارابی بر نظر رفتار معاونت سینمایی نیست؟ آیا پرداخت این مبلغ به خانه سینما محاصره اقتصادی است در حالی که کل زیرمجموعه‌های معاونت سینمایی هرگز چنین تخصیص‌هایی نداشته‌اند.

سال ۱۳۸۷	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰ریال
سال ۱۳۸۸	۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰ریال
سال ۱۳۸۹	۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ریال

گویا حیات‌شان را در بحران‌سازی جست‌وجو می‌کنند اعلام می‌کنم هیچ بحرانی وجود ندارد، و برخی دوستان تلاش نکنند که متناف شخصی خویش را به متناف جمع گره بزنند و اگر خودشان به بن‌بست رسیدند آن را به حساب جمع نگذارند و اجازه دهند سینماگران در یک فضای آرام و بر اساس منافع ملی و اهداف کلان و منافع مردم کار خودشان را ادامه دهند.» و این ماجرا حتماً ادامه دارد چون همان طور که شمقدری در مقام معاونت سینمایی اعلام کرده است با هیات مدیره جدید خانه سینما که در آبان‌ماه انتخاب می‌شوند همکاری خواهد کرد.

واکنش پنجم

کاهش ۵۰ درصدی

تولید فیلم دفاع مقدس

جشنواره فیلم دفاع مقدس هم آغاز شد. یک جشنواره پس از پنج سال. تاخیرش هم قطعاً دلیل نمی‌خواهد. چه کسی مسئول است کسی نمی‌داند. هر کس نهاد و سازمانی را مسوول این کار می‌داند. حالا به قول دبیر این دوره جشنواره که چندان علاقه‌ای به گفتگو با رسانه‌های غیرهمدل ندارد و انتقادی را برنمی‌تابد قرار است جشنواره‌ای جذاب و باشکوه برگزار شود که طی ۳۰ سال گذشته جشنواره‌ای به این باشکوهی وجود نداشته است.

در حالی که بارها و بارها بهترین امکانات دولتی برای ساخت فیلم‌هایی در این زمینه در اختیار سینماگران قرار گرفته است مسوولان خود بر این باورند که در حق این نوع سینما ظلم شده است.

طبق امار اعلامی بین سال‌های ۸۲ تا ۸۴ طی دو سال ۵۰ فیلم دفاع مقدس تولید شده بود، اما از سال ۸۴ به حال فقط ۴۷فیلم تولید شده یعنی نصف آن دو سال. این در حالی است که محمود احمدی‌نژاد و مسوولان سینمایی‌اش همچون صفارهندی و جواد شمقدری یکی از افتخارات خود را توجه به ارزش‌های انقلابی می‌دانند. اما تمام افتخارشان و تنها نهاد ساخت فیلم در این دوره به حال ابرها زندگان و آزادگان نسبت به ساخت آن اعتراض کرده‌اند. سخنان دبیر این دوره جشنواره محمد خزایی می‌تواند بارتاب‌بهنده فضای موجود و کنونی در این بخش سینما باشد. او تأکید دارد در این زمینه اقدام ویژه‌ای صورت نگرفته است. «زمانی که

جشنواره‌ای برگزار نمی‌شود فیلم‌هایی که با موضوع مرتبط با جشنواره تولید می‌شوند به لحاظ سر جریان فکری و اندیشه‌ها همچون فیلم می‌ماند. لازم است مدیریت سینما روی این بخش تلاش بیشتری انجام دهد، چرا که به هر حال نسل بعدی از طریق مستندات تصویری که مکتوب با این قیام آشنا می‌شوند، اما به هر حال تاکنون این بخش مظلوم واقع شده است.» به هر حال قرار است این نوع جشنواره‌ها برگزار شود تا مسوولان متوجه شوند اشکال کار در این نوع سینما چیست.

این جشنواره اکنون در سینمایی

سال پنجم ■ شماره ۱۰۶۸ ■ چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۸۹

گفت‌وگو با خسرو معصومی کارگردان «باد در علفزار می‌پیچد»

فکر و اندیشه در سینمای ما جایگاهی ندارد

یک سینما به این فیلم اختصاص داده شده است. اگر به فیلم من ارکان درست و مناسب می‌دادند قطعاً خیلی می‌فروخت. وقتی فیلمی نه تبلیغ دارد که کسی از ارکانش مطلع شود و نه به تعداد زیاد در سینما ارکان می‌شود خب طبیعی است که فروش کمی خواهد داشت.

– چه شرایطی برای ارکان بهتر بود؟

در حال حاضر ما پنج سرگروه سینمایی داریم که پنج سینمادار هستند. وقتی ما به سه گروه مراجعه کردیم از تهیه‌کننده ۵۰ میلیون پول خواستند که فیلم در این گروه‌ها ارکان شود. اغلب این سرگروه‌ها که به فکر فیلم‌ها نیستند پول را می‌گیرند که خودشان ضرر نکنند، دیگر فرقی نمی‌کند چقدر بفروشند فقط نمایش می‌دهند. این مناسبات غلط باعث می‌شود فیلم‌هایی که سفیر جمهوری اسلامی هستند، صاحب فکر و اندیشه‌اند قربانی عده‌ای آدم سودجو بشوند که ترجیح می‌دهند از طریق فیلم‌های سخیف پول در بیاورند. مسوولان باید یک فکری برای اهل فکر که باعث افتخار سینمای ایران هستند، بکنند. باید جلوی این آدم‌ها را که طلب پول می‌کنند بگیرند. یک قانونمندی در شرایط ارکان صورت بگیرد. ما ظرفیت نمایش ۵۰ فیلم را در سال داریم در حالی که سالی ۱۰۰ تا ۱۲۰ پروانه ساخت صادر می‌شود و صاحب سینما حق دارد انتخاب کند چه فیلمی را نمایش دهد. آنها هم ترجیح می‌دهند سینمای گیشه‌ای و خنده‌دار را ارکان کنند. با این شرایط سینمای فقر و اندیشه جایگاهی ندارد.

– در زمان ساخت فیلم انتظار چنین مسائلی را داشتید؟

من همیشه دچار این دردسرها هستم، ولی نمی‌توانم کار نکنم. سیاست‌های پخش در سینما کار را تعیین می‌کنند و مسوولان که باید به ما کمک کنند متأسفانه هیچ کاری نمی‌کنند. فیلم من در جشنواره در کنار فیلمی مثل نغم مرغ ساخته سسی کابلان اوغلو ارکان شد که برای تعریف از سینمای ایران باعث افتخار است.اگر کنار فیلمی مثل نیش زنبور نمایش داده می‌شد فقط شعور مخاطب نادیده‌گرفته می‌شد. به ما وجود همه این مسائل در نهایت اگر حرفی بزنیم به ما می‌گویند تا تو باشی از این فیلم‌ها نسازي…

– فکر نمی‌کنید دور شدن شما از سینمای بدنه این مشکلات را ایجاد کرده؟

سینما من ملودرام است و کسی که از سینما

نکته

مناسبات غلط باعث می‌شود فیلم‌هایی که سفیر جمهوری اسلامی هستند، صاحب فکر و اندیشه‌اند قربانی عده‌ای آدم سودجو بشوند که ترجیح می‌دهند از طریق فیلم‌های سخیف پول در بیاورند. مسوولان باید یک فکری برای اهل شعور و فکر که باعث افتخار سینمای ایران



نگاه

نگاهی به فیلم عیار ۱۴

یک هراس تمام‌عیار

ترس بیرونی‌ترین وجه افشاکندگی و از کاربست‌ترین وجوه رفتاری – بیولوژیکی هر موجود زنده در قبال خطر و احساس به مخاطره افتادن موقعیت کنونی در برابر تهدیدهای محیطی یا محاطی به حساب می‌آید. ترس از دست دادن ثروت، شغل و… آدمی را به شکل پایان‌ناپذیری درگیر زنجیره حمارکشی به عنوان راهکاری برای مصونیت از آسیب‌دیدگی یا سرپیچی (عامل ایمنی) و ایجاب ثبات خطی– فرضی می‌کند.

روانکاوان معتقدند فقط کسی می‌تواند از پس هراس خود بربیاید که قبلاً مغلوب هراس خود شده باشد و به این علت بر ترس خود غالب می‌شود که ترس او را پیشاپیش ویران ساخته باشد. از این رو عیار ۱۴ می‌توان کشمکش درونی بین دو وجه غلبه بر ترس و مغلوب شدن در برابر ترس شخصیت اصلی فیلم یا به عبارتی ضدقهرمان فیلم را در این رو که در نهایت مغلوب ترس خود می‌شود- به حساب آورد. چیزی که فیلم را برجسته ترس خودسردی زرنانه در روایت وجوه مختلف ترس شخصیت اصلی، فرید- با بازی محمدرضا فروتن- است. به عبارتی ساختار به سمت یک روایت هراس‌آور کشیده نمی‌شود و مولف آگاهانه ترس را به خدمت می‌گیرد تا فیلم خود را جزء به جزء به واسطه آن روایت کند و اجازه نمی‌دهد ترس به دلیل وجه ذاتی- غریزی چیرگی‌اش بر فیلم غالب شود. این زیرکی از آنجا نشأت می‌گیرد که کارگردان از لودگی ترسناک فیلم‌هایی که در این ژانر در داخل ساخته می‌شود کاملاً آگاه است. به علاوه، تلاش در جهت تعریف تازه‌ای از ترس و دوری از ارجاع‌های کلیشه‌ای ترس، فیلم را تا حدی خودبسندۀ می‌کند و سعی در به مالکیت درآوردن قواعد بازی به سمت و سوی خود دارد.

فرید صاحب طلافروشی، سارق‌ری را چند سال پیش به دلیل تلاهای سرسرقتی معرفی و روانه زندان کرده بود، اکنون با آزادی سارق از زندان از ترس انتقام سعی در فرار از دست سارق و مخفی کردن خود دارد که در نهایت خود مغلوب ترس خود می‌شود و در تصادفی دیگر جان می‌یازد. در این تعریف چندخطی از فیلم و همچنین در طول فیلم ما با سه ضلع مثلثی روبه‌رو هستیم (سارق- طلا- طلافروش) که مدام در طول فیلم با ریتم کند در این حال‌جابه‌جایی و تعویض موقعیت‌های تنش‌زای خود هستند.

شرق

فیلم در بخش مسابقه دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پیونگ یانگ در کره شمالی به نمایش درمی‌آید. فیلم معصومی تجربه دوباره او در فضای برف و سرما و جنگل است. این بار نیز دختری ناگزیر از ازدواج ناخواسته است بر چند روزگار کمی با او مهربان‌تر خواهد بود یا تلاش‌های خودش به نتیجه می‌رسد.



یک سطر بوده. این یک فیلم کاملاً عاشقانه است و اصلاً خسته‌کننده نیست. زمانی که فیلم در امریکا ارکان شد یک خاتم ایرانی به من گفت شما باعث شدید فرهنگ ازبافته‌تر ایران را دوباره ببینیم. این برای من یک امتیاز بزرگ است. اما قدر این فیلم‌ها دانسته نمی‌شود. وقتی فیلم من بدون گروه سینمایی روزی یک میلیون فروخته اگر شرایط ارکان درستی داشت و در ۲۰ سینما صبح تا شب ارکان می‌شد حتماً خیلی بیشتر فروش داشت. این کارها باعث نابودی سینمای فقر و اندیشه می‌شود.

– این نسخه فیلم با نسخه جشنواره تفاوتی دارد؟

نصب هیچ‌چیز

– تفاوت کار سینما با تلویزیون برای شما چطوراست؟

در هر دو کار به یک اندازه سختی دارم، چون هر دو را جدی می‌گیرم، ولی کار تلویزیونی سندن ماندگاری نیست. نهایت در چند شبکه نمایش داده می‌شود و تمام می‌شود. ولی فیلم سینمایی مثل کتابی ماندگار همیشه در کتابخانه می‌ماند و طبیعتاً فراموش نمی‌شود. هر دو کار سختی دارد و من در هر دو سعی دارم ارزش‌هایی فیلم بسازم که به شعور مخاطب احترام بگذارم. به خصوص در سینما که وجهه بین‌المللی کشور ماست.

– این سه‌گانه ادامه ندارد؟

نه، سه قسمت بود که تمام شد.

– کار جدید در دست دارید؟

فیلمنامه‌ای به نام «خرس» را به ارشاد داده‌ام و منتظر پروانه ساخت هستم.

● رضا کردیچ ●